

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مددکاری اجتماعی با عنوان بررسی مقایسه‌ای علل خانوادگی موثر در بزهکاری نوجوانان پسر در شهر گرگان که آقای امان ممدآیری دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی با همکاری شورای تحقیقات اداره‌ی کل زندان‌های استان گلستان انجام داده است توسط آقای سیدروح‌اله حسینی از کارشناسان اداره پژوهش مرکز مورد بررسی و ارزیابی کارشناسی قرار گرفته است، در پی خلاصه‌ای از پایان‌نامه‌ی مذکور برای اطلاع به حضور خوانندگان محترم تقدیم می‌شود. اداره پژوهش



بررسی مقایسه‌ای علل خانوادگی موثر در بزهکاری نوجوانان پسر در شهر گرگان

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بیان مساله

توسعه‌ی زندگی شهری، فراوانی مشکلات اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها، افزایش میزان اختلافات خانوادگی، اعتیاد، طلاق و جوان بودن درصد بالایی از جمعیت جامعه‌ی ایران باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده و زمینه‌ی مناسبی برای ابتلا به انواع آسیب‌ها به خصوص برای قشر نوجوان فراهم آورده است. بر اساس اعلام روابط عمومی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور آمار ورودی اطفال معارض قانون ۱۸ سال و کمتر در سال ۱۳۷۹ بالغ بر ۲۵۰۸۲ نفر بوده است که از این تعداد ۲۲۶۸۷ نفر پسر و ۲۴۱۱ نفر دختر می‌باشد. از آنجائیکه نوجوانان بزهکار قربانیان اوضاع ناپه‌نچار خانوادگی و اجتماعی محل زندگی خویش هستند - و از آنان به عنوان آسیب‌دیدگان اجتماعی نامبرده می‌شود - به خاطر اوضاع نامطلوب خانواده و جامعه بیمار شده و باید درمان شوند تا دوباره

تحقیق حاضر به بررسی مقایسه‌ای علل خانوادگی موثر در بزهکاری نوجوانان (در شهر گرگان) می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که «آیا بین خانواده‌های نوجوانان بزهکار و غیربزهکار به لحاظ متغیرهای خانوادگی تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر؟» اگر خانواده می‌تواند عامل مهم بزهکاری باشد و اوضاع نامطلوب آن بزهکار پرورش دهد، به همان نسبت وجود اوضاع مطلوب در خانواده رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی نوجوان را امکان‌پذیر می‌سازد که مهمترین گام در پیشگیری از بزهکاری است. پس شناخت این عوامل خانوادگی می‌تواند به درک هر چه بهتر این علل و برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه بیانجامد. هدف این پژوهش نیز شناخت زمینه‌ها و علل رفتارهای بزهکارانه نوجوانان در محیط خانواده و ارتقای معرفت علمی نسبت به یکی از مهمترین مسایل اجتماعی و روشن ساختن ابعاد ناشناخته یا کمترشناخته شده‌ی این موضوع می‌باشد.

به جامعه بازگردند. در اینجا به بررسی نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان پرداخته می‌شود.

اهمیت و ضرورت طرح مساله

بزهکاری نوجوانان را می‌توان به منزله‌ی یک بیماری اجتماعی تلقی کرد که باید معالجه شود. به طور قطع برای مبارزه با هر مرضی باید ابتدا آن را شناخت و به زمینه‌های پیدایش آن پی برد. سپس بیمار را نجات داد و از بروز این عارضه پیشگیری کرد. چنانچه بزهکاری یک معارضه و آسیب اجتماعی تلقی شود، «قشر نوجوان» به عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در معرض ابتلا به این عارضه هستند یا به نوعی از آن دچار شده‌اند.

کودکان و نوجوانانی که گرفتار این بلیه اجتماعی می‌شوند در اکثر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و کار از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه‌ی نامطلوبی در زندگی آینده‌ی آنان تاثیر فراوان می‌گذارد و با توجه به پذیرفته نشدن آنان در حلقه‌های درسی و کاری آبرومند و آینده‌ساز قشری مطرود از این گونه افراد به وجود می‌آید که به نوبه‌ی خود مساله را برای نسل آینده تشدید می‌کند و باعث تباهی کودکان و نوجوانان بیشتری می‌شود.

رنج و ناراحتی‌های کودکان و نوجوانان بزهکار نیز از لحاظ سلامت اجتماع قابل توجه است و ممکن است موجب تنش‌هایی بین خانواده‌ها، همسایگان و دیگران شود.

این مساله از لحاظ هزینه و وقت و نیرویی که دولت‌ها صرف حل آن می‌کنند نیز اهمیت زیادی دارد. در صورتی که راه‌های پیش‌گیری این معضل شناخته و از کثرت کودکان و نوجوانان بزهکار کاسته شود، قسمت اعظم این بودجه را می‌شود صرف آموزش و پرورش و تربیت علمی و عملی این قبیل افراد کرد.

بررسی علت‌ها، سبب می‌شود که مسئولان مربوطه، به چگونگی شکل‌گیری اعمال ناپه‌نجان شناخت پیدا کنند، آنگاه شیوه‌های صحیح و مناسب مبارزه با آن‌ها را جستجو کنند.

هدف‌های پژوهش

الف) هدف‌های نظری: شناخت عوامل خانوادگی موثر در بزهکاری نوجوانان ارتقای معرفت علمی نسبت به یکی از مهمترین مسایل اجتماعی روشن شدن ابعاد ناشناخته یا کمتر شناخته‌شده‌ی این موضوع از مهمترین هدف‌های نظری این پژوهش می‌باشد.

ب) هدف‌های کاربردی: شناخت زمینه‌ها و علل رفتارهای بزهکارانه نوجوانان در محیط خانواده، کمک به پیشگیری یا کاهش این رفتارها، امحا یا تضعیف عوامل تسهیل‌کننده و مساعد و تقویت عوامل بازدارنده و نامساعد این رفتارها از مهمترین هدف‌های کاربردی این پژوهش است.

به منظور پاسخ به سئوال پژوهش و همچنین دستیابی به هدف‌های موردنظر، از نظریه‌های فشار، مراقبت و یادگیری اجتماعی استفاده شد. با استفاده از این نظریات ۶ فرضیه مطرح شد که متغیرهای مورد بررسی در بین دو گروه عبارت بودند از: دلبستگی والد و فرزند، سخت‌گیری والدین، مراقبت و نظارت والدین، مراقبت و اعتماد والدین، انحرافات والدین و پایگاه اقتصادی، اجتماعی والدین.

روش تحقیق علمی - مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) بوده و برای بررسی فرضیه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات از روش پرسشگری و ابزار پرسشنامه استفاده شد. اطلاعات به دست‌آمده نیز در ابتدا در قالب جدول‌های توزیع فراوانی، توصیف و سپس با استفاده از آزمون t -test، رگرسیون چندمتغیری و آنالیز واریانس تحلیل شدند.

در پژوهش حاضر سن و جنس پاسخگو، جزو متغیرهایی هستند که، به منظور ثابت نگه داشتن تاثیر آن‌ها در متغیر وابسته (بزهکاری) بین دو گروه مورد پژوهش نظارت شده‌اند.

جامعه‌ی آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه‌ی آماری گروه بزهکار مورد نظر این پژوهش عبارتند از کلیه‌ی نوجوانان (پسر) بزهکاری که در زمان اجرای تحقیق به تعداد ۵۸ نفر در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان نگهداری می‌شوند.

جامعه‌ی آماری گروه غیربزهکار نیز عبارتند از: کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر دوره‌ی راهنمایی و متوسطه‌ی شهر گرگان روش نمونه‌گیری نوجوانان بزهکار در این پژوهش به دلیل محدود بودن جامعه‌ی آماری، از نوع نمونه غیراحتمالی (کل‌شماری) است. به عبارت دیگر کلیه‌ی نوجوانان بزهکاری که در زمان اجرای تحقیق در کانون اصلاح و تربیت گرگان به سر می‌برند، نمونه‌ی این پژوهش را تشکیل داده و مورد آزمون قرار گرفته‌اند. این حجم نمونه برابر با ۵۸ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری گروه مقایسه، به صورت تصادفی طبقه‌ای است.

نتیجه‌گیری

نتایج این بررسی، فرضیه‌ی پژوهشگرانی را که معتقدند نظریه‌های فشار، یادگیری و مراقبت به تنهایی برای تبیین بزهکاری کافی نیستند، ولی با هم می‌توانند در تبیین بزهکاری موثر باشند، تایید می‌کند. زیرا همانطور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، متغیرهای مورد بررسی که هر کدام برگرفته از این نظریه‌ها بوده‌اند، همپوشی زیادی با یکدیگر دارند و با هم در تبیین بزهکاری نقش ایفا می‌کنند.

عامل دلبستگی والد و فرزند که وجود روابط خوب و صمیمانه

بین نوجوان و والدین، صرف وقت برای نوجوان، واگذاری وظایف مهم به نوجوان در زندگی خانوادگی را نشان می‌دهد از عوامل موثری است که سطح بالای آن در خانواده‌ها به طور قابل توجهی از بزهکاری نوجوانان می‌کاهد.

مراقبت و اعتماد والدینی که با ابراز محبت و علاقه به فرزندان، تشویق و توجه به تقاضا و خواسته‌های نوجوان مشخص می‌شود، از جمله عواملی است که به همراه دلبستگی والد به فرزند در بزهکاری نوجوانان تاثیر دارد.

بی‌توجهی خانواده و یا مسئولان تربیتی (مدرسه) و وضعیت‌هایی که در امر تعلیم و تربیت نوجوان وجود دارد، از قبیل فقدان مراقبت نیز باعث کج‌روی نوجوانان می‌شود و زمینه را برای اعمال خلاف آماده می‌کند. بیشتر نظریه‌پردازان معتقدند خانواده‌هایی که بر اعمال فرزندان خود نظارت ندارند و کمتر مقررات و استانداردهای مشخصی در قبال رفتارهای غیرقابل قبول آنان وضع و از برخورد قاطعانه در مقابل رفتارهای خلاف فرزندان خود پرهیز می‌کنند زمینه‌های کج‌روی را مساعد می‌کنند. نظارت نداشتن بر دوست‌گزینی و رفت و آمد نوجوان در خارج از خانه و نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت نوجوان که موجب تماس بیشتر وی با خلافکاران می‌شود از این مقوله است.

عامل دیگری که در این بررسی اثر خود را بر بزهکاری آشکار ساخت،

وجود عامل انحراف والدین از قبیل اعتیاد و مواردی که منجر به حبس والد در زندان شده است. این عامل نیز تاثیر خود را از طریق کاهش مراقبت و نظارت، ارضا نشدن نیازهای عاطفی نوجوان در این سنین، و از طرفی از طریق فرآیند یادگیری الگوهای انحرافی در محیط خانه و خانواده از طریق والد منحرف منجر به گرایش نوجوان به بزهکاری می‌شود.

از طرف دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده نیز در رفتارهای بزهکارانه‌ی نوجوان موثر است، بنابراین، فقدان پدر به دلیل زندانی بودن و یا به هر دلیل دیگری، اثر غیرمستقیم خود را از طریق کاهش سطح درآمد خانواده، نبود نظارت و احیاناً اجبار نوجوان به کار کردن در سنین پایین و یافتن تماس، منجر به دوستی با افراد ناباب به صورت مولفه‌ی

تماس با بزهکاران بر رفتارهای بزهکارانه‌ی نوجوان آشکار می‌کند. بنابراین پایداری وضعیت خانواده (حضور پدر و مادر) و ارضای نیازهای مادی و معنوی از طرف والدین در ممانعت از بزهکاری نوجوانان موثر است، علت این است که، سنین نوجوانی زمانی است که نوجوان به دنبال کسب هویت و الگوی شخصیتی است و نقش پدر و مادر در خانواده موثرتر می‌شود.

نوجوانی مرحله‌ای از زندگی است که فرد به دنبال کسب هویت است. اگر در این مرحله والدین حضور جدی در زندگی نوجوان نداشته باشند و وابستگی عاطفی بین آنان و نوجوان وجود نداشته باشد، نوجوان با روبه رو شدن با الگوهای انحرافی پیرامون خود به الگوبرداری از آنان خواهد پرداخت. زیرا عاملی که سبب تصحیح این حرکت نادرست شود، وجود ندارد. ایجاد ارتباط نزدیک و دوستی با افرادی که رفتارهای بزهکارانه را در نوجوان القا و تقویت می‌کنند سبب گرایش وی به همان موقعیت‌هایی خواهد شد که، در اطراف خود می‌یابد.

نوجوانان بزهکار به دلایلی که، این پژوهش نشان داد، معمولاً با پدران و مادران خود روابط مورد قبول و قابل اطمینانی ندارند. خیلی کم برای ایشان امکان پیش می‌آید که بتوانند از مسایل خود با بزرگسالان خانواده صحبت کنند. آنان هیچگاه تشویق نمی‌شوند تا مسایل زندگی و هیجانات و احساسات خود را با خانواده‌ی خودشان در میان بگذارند. همین مساله مانع بزرگ و مخربی برای آنان است. هر برنامه‌ی

تربیتی و آموزشی‌ای که در رسانه‌ها برای پدران و مادران نوجوانان تدوین می‌کنند در صورتی که به طرز عاقلانه‌ای ارائه شود در بسیاری از موارد می‌تواند نقطه‌ی شروع مثبت و مساعدی برای اجرای کار تلقی شود.

یافته‌های این پژوهش قویاً بر این نکته تاکید می‌کند که توجه به نوجوان و تربیت وی، فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای رشد و تقویت رفتارهای صحیح در خانواده‌ای سالم و صمیمی با مراقبت و نظارت معتدل بر رفتارهای نادرست او به محض مشاهده‌ی نخستین کج‌رفتاری، زمینه‌های مساعد را برای رشد اجتماع وی فراهم می‌کند و او را از گرفتار شدن در دام تبه‌کاران و کشانده شدن به ورطه‌ی بزهکاری که آینده‌اش را نابود می‌کند می‌رهاند.

